

مردم سرنوشت این نظام را در خیابانها تعیین خواهند کرد!

بیانیه نشریه دانشجویی بذر

دوشنبه ۲۵ خرداد ۱۳۸۸



انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری در ایران برگزار شد. برخلاف انتظار اکثریت مردم که منتظر بودند موسوی انتخاب شود، احمدی نژاد برای بار دوم رئیس جمهور شد. وقتی نتایج از ساعاتی آغازین صبح شنبه اعلام شد معترضین به سمت وزارت کشور هجوم بردند. اعتراضات در تهران گسترش پیدا کرد و به اکثر نقاط کشور کشیده شد. گفته می شود که معترضین طرفداران موسوی در انتخابات ریاست جمهوری یک کودتا از جانب سپاه با هنرنمایی احمدی نژاد سازماندهی شد. درحالیکه اکثریت آرا با موسوی بود، احمدی نژاد به عنوان فرد منتخب با آرای آشکارا غیرواقعی برنده انتخابات اعلام شد. این موضوع برای مردم قابل قبول نبود که این چنین وقیحانه به آرای شان دهن کجی شود، این چنین وقیحانه به بازی گرفته شوند و آخر سر هم به هیچ گرفته شوند. احمدی نژاد در ۴ سال گذشته کارنامه سیاهی داشته است و مردم دیگر تاب ندارند او را بپذیرند. نمایش برپایی مناظره ها هم برای این بود که توجه مردم را جلب کنند و آنها را به پای صندوقها بکشانند. باز گذاشتن فضای قبل از انتخابات هم باعث شد که مردم فکر کنند واقعا آزادی و دموکراسی به آنها رو کرده است.

افشاگری های احمدی نژاد در مناظره ها فضا را ملتهب تر نمود. اما سویه دیگر واقعیت این است که دربین حکومتی ها شکاف عمیقی به وجود آمده است. خامنه ای و احمدی نژاد و سپاه پاسداران که قدرت اصلی نظامی و اقتصادی محسوب می شوند، در یک قطب قرار گرفته اند و درسوی دیگر هاشمی رفسنجانی و اصلاح طلبان. هدف اصلی دارودسته احمدی نژاد، هاشمی رفسنجانی است که خود نیز به مدت ۸ سال رئیس جمهور بود و با لقب "اکبر شاه"، یکی از منفورترین چهره های هیأت حاکمه جمهوری اسلامی شد. طی ۳۰ سال گذشته هیچگاه شکافی به این عمق درمیان عناصر اصلی حکومت پدید نیامده بود. اما دراین میان مردم چه نقشی دارند و درفضایی که حکومت بشدت درمانده و مستأصل شده است، چگونه از این شکاف به نفع مبارزات و اهداف و آرزوهای خود استفاده کنند. اکنون که مسأله از ثقل آرا و بودن یا نبودن میرحسین موسوی فراتر رفته است، اهداف مبارزه و خواسته و مطالبات مردم هم باید فراتر از چارچوب دعوای درون هیأت حاکمه جمهوری اسلامی برود. موسوی هم به خاطر مردم در مقابل حکومت که خود عضوی از آن است و یارانش نمی ایستند. او مرتباً در بیانیه های خود وفاداری و تعهدش را به نظام جمهوری اسلامی، ولایت فقیه و قانون اساسی جمهوری اسلامی اعلام می کند تا مبدا نیروهای غیرخودی، نیروهای سیاسی مستقل و انقلابی به طرح شعارها و مطالبات دمکراتیک مردم دست زنند. او نیز می داند که ما جوانان در مبارزات شبانه روزی خود کل نظام جمهوری اسلامی را به زیر سؤال برده ایم. در طی ۳۰ سال گذشته، سران رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب، چپاول و غارت آنان، ثروت و قدرت خود را بنا کردند. اگر احمدی نژاد، هاشمی رفسنجانی را افشا می کند به معنای این نیست که با مردم است و به خاطر آنها این کار را می کند؛ بگذریم از اینکه احمدی نژاد حرف جدیدی زده بود؛ بیش از دو دهه است که اکثریت مردم از چپاول ثروت و منابع کشور توسط خاندان هاشمی رفسنجانی باخبرند. همواره طبقات حاکمه ارتجاعی آن هم از نوع اسلامی آن، دزد جان و مال مردم هستند. اما شکاف درون طبقه حاکمه به حدی که امروز شاهد آن هستیم، نقطه عطف مهمی در نظام جمهوری اسلامی است. آنان می خواهند نبرد سهمگین خود را از طریق قربانی کردن مردم به پیش برند. بدون شک در این مبارزات و این فضای مساعد هزینه خواهیم داد. اما این بار باید بتوانیم هزینه ها را به سود منافع خود، آرزوها و آرمان های خود که همانا برچیدن بساط مخوف نظام اسلامی است، جهت دهیم. با گسترش مبارزات خود آن را به یک مبارزه همه جانبه علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی از کودتاچیان دروغگوی احمدی نژاد تا شال سبز موسوی و رفسنجانی تبدیل کرد.

اعتراض به بسته شدن روزنامه سلام در ۱۸ تیر ۷۸ را بیاد بیاورید، در ابتدا دانشجویان با اعتراضشان در واقع از خاتمی و تفکر دو خردادی حمایت کردند. اما خاتمی اصلاح طلب دانشجویان را به خاک و خون کشید. مبارزات ۱۸ تیر مسیر دیگری پیدا کرد و به یک مبارزه رادیکال تبدیل شد. اکنون نیز ما باید شور و انرژی بی پایان خود را برای تغییرات واقعی و در جهت اهداف بزرگتری به کار گیریم.

ما نسل جوانی که در مقابل حمله مزدوران ضد شورش که تا به دندان مسلح اند جسورانه سینه سپر می کنیم و فرار نمی کنیم، خواسته هایمان فراتر از این است که چرا موسوی رئیس جمهور نشد؛ گرچه رسانه ها های حاکم در ایران و جهان سعی می کنند مبارزات ما را به حساب میر حسین موسوی سرریز کنند. ما نمی جنگیم برای تداوم نظام مذهبی، شعار ما "الله اکبر" نیست، برچیدن هرگونه نفوذ دین و خرافات از زندگی مردم کشورمان است. ریشه این حکومت و غل و زنجیرهایی که بر تفکر مردم بسته شده از همین مذهب است.

احمدی نژاد دیکتاتور که درس دروغ را در مکتب گوبلز (مسئول تبلیغات هیتلر) آموخته است، در مراسم "جشن پیروزی اش" تهدید کرد که بررسی اموال مقامات سابق را در دستور کار خود گذاشته است. سؤال فقط این نیست که چرا در ۴ سال قبل این کار را نکرد سؤال واقعی اینجاست که کدام نهادهای قدرت و کدام افراد قدرتمند حکومتی بزرگترین مفاسد اقتصادی کشور را مرتکب شده اند؟ آیا کسانی غیر از همین سران حکومتی و مراکز بزرگ مالی مذهبی چون آستان قدس رضوی و بنیادهای مختلفی چون، بنیاد مستضعفان و غیره می باشند؟

سخن آخر اینکه ما نمی توانیم چشم امید به موسوی و کروی داشته باشیم. آنها نیز مهره همین رژیم اند. سه دهه گذشته نشان داد که اصلاح این حکومت از درون ممکن نیست. نمایش انتخاباتی اخیر دیگر جایی برای هیچگونه توهمی در اینباره باقی نگذاشت. ما انرژی و خواست تغییرات ریشه ای را داریم. بهتر است که دیگر نگذاریم انرژی ما و مبارزات ما به هرز رود. این آتشفشان عظیم نسل ما می تواند این نظام پوسیده را به جایگاه واقعی اش -موزه تاریخ- بسپارد. به انقلاب بیندیشیم که بار دیگر این روزها از تمام سلول های جامعه طلب می شود. شور و جسارت هزاران دختر جوان در این نبردها بیان عزم آنان برای پایان دادن به بساط نظامی است که بر پایه فرودستی زنان از حجاب اجباری گرفته تا کلیه قوانین زن ستیز و نابرابر تثبیت و تحکیم شده است. حضور انبوه و پر قدرت زنان جوان در نبرد این روزها نشان پر قدرتی از خواست تغییر است؛ تغییری که فقط با "انقلاب" ممکن است.

مرگ بر آپارتاید جنسی ✌

مرگ بر دیکتاتور ✌

یا مرگ یا آزادی ✌

فرمانده کل قوا ، این آخرین پیام است، ✌

این جنبش مردمی در حالت قیام است

ما زن و مرد جنگیم ، بجنگ تا بجنگیم ✌

زنده باد انقلاب ✌

بیانیه نشریه دانشجویی بذر - ۲۵ خرداد ۱۳۸۸